

توافق بر سر آتش‌بس دوهفته‌ای میان ایران و آمریکا، هرچند ذیل سایه سنگین بدبینی‌های تاریخی و تجربه آتش‌بس سال ۱۴۰۴ شکل گرفته، اما پیش از آنکه مجالی برای استراحت نظامی باشد، فرصتی حیاتی برای بازخوانی قدرت نرم در میانه یک نبرد با متجاوزان است. در روزگاری که تهدیدهای بی‌محابای ترامپ، شعله‌های وطن‌پرستی را در رگ‌های تمامی ایرانیان با هر گرایش و سلیقه‌ای بازنده‌سازی کرد، اکنون نوبت به تدبیر داخلی رسیده است تا با بهره‌گیری از این سرمایه اجتماعی و بازنگری در سیاست‌هایی که پس از ۱۴۰۴ به شکاف میان ملت و دولت دامن زد، از این گذار شکننده به سوی توافقی پایدار و مقتدرانه عبور کند.

رستگاری با انسجام اجتماعی

سر مقاله |

انسجام ملی، کلید گذار از آتش‌بس شکننده

خلأهای هوشیاری در دوران گذار برای بازسازی توان تهاجم با برهم‌زدن تمرکز ملی استفاده کند، لذا عبور سلامت از این مقطع، نیازمند هوشیاری مضاعف و حفظ انسجام در تمام سطوح تصمیم‌گیری است. در این میان، آنچه به‌عنوان یک پیشران قدرتمند در چهل روز اخیر مانع از فروپاشی روانی جامعه در برابر تهدیدات خارجی شد، جوشش دوباره حس وطن‌پرستی میان اقشار مختلف ایرانیان در کنار توان موشکی نیروهای نظامی بود. پدیده‌های شگرف که بار دیگر ثابت کرد هویت ملی فراتر از مرزبندی‌های جناحی و سیاسی، خط‌قرمز اصلی هر ایرانی است. این موج اتحاد ملی به‌ویژه پس از ادبیات توهین‌آمیز و تهدیدهای بی‌پایه دونالد ترامپ علیه تمامیت ارضی و هویت مردم ایران به اوج خود رسید. ترامپ با هدف قراردادن غرور ملی

تحولات پرشتاب چهل روز گذشته سرانجام به نقطه‌ای از توازن قوای سخت رسید که توافق بر سر یک آتش‌بس دوهفته‌ای میان ایران و آمریکا را به گزینه‌ای ناگزیر برای طرفین بدل کرد. تصمیمی راهبردی که باتکیه بر خرد جمعی در عالی‌ترین سطح حاکمیتی یعنی شورای عالی امنیت ملی و تأیید رهبری اتخاذ شد تا در میان هیاهوی میدان، مجالی برای تدبیر دیپلماتیک فراهم شود. هرچند ماهیت این آتش‌بس به دلیل پیشینه بی‌اعتمادی‌ها و تضاد منافع بنیادین، بسیار شکننده و لرزان به نظر می‌رسد، اما حرکت در این مسیر دوهفته‌ای تا دستیابی به یک توافق پایدار بیش از آنکه نیازمند رصد تحرکات نظامی دشمن باشد، مستلزم بازخوانی دقیق تجربه‌های تاریخی و تقویت جبهه داخلی است. نگاهی به تجربه تلخ اما آموزنده آتش‌بس پس از جنگ ۱۲ روزه در سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که دشمن چگونه می‌تواند از

ایرانیان، ناخواسته بانی وحدتی شد که در آن، حتی منتقدان داخلی نیز در صفی واحد علیه دست‌اندازی خارجی ایستادند و نشان دادند که در لحظات سرنوشت‌ساز، صیانت از خاک و عزت وطن، قدر مشترک تمامی تفاوت‌هاست. این میراث ارزشمند که در میانه دود و آتش به‌دست آمده، اکنون در کنار جلوه نظامی آنچه از نیروهای مسلح دیده شد، بزرگ‌ترین سرمایه دولت برای چانه‌زنی در میز مذاکرات پیش رو است و نباید اجازه داد در پیچ‌وخم‌های بوروکراتیک یا سهم‌خواهی‌های سیاسی پس از جنگ فرسوده شود. باین‌حال، باید با صراحتی دلسوزانه پذیرفت

که حفظ این انسجام ملی در درازمدت، تنها با اتکا به تهدیدهای خارجی میسر نیست، واقعیت آن است که شکاف میان ملت و دولت، به‌ویژه پس از وقایع تلخ و چالش‌برانگیز دی‌ماه ۱۴۰۴، عمق نگران‌کننده‌ای یافته است که اگر برای ترمیم آن اقدام فوری صورت نگیرد، هر توافق پایداری در عرصه بین‌المللی نیز لرزان خواهد بود. امروز بیش از هر زمان دیگری، لزوم بازنگری شجاعانه و سریع در سیاست‌های داخلی احساس می‌شود تا از طریق گشایش‌های اجتماعی، اصلاحات اقتصادی ملموس و بازگرداندن اعتماد عمومی، این زخم‌های کهنه التیام یابند. برای عبور موفقیت‌آمیز از این دوره گذار و رسیدن به صلحی که متضمن منافع ملی باشد، حاکمیت باید پیام همدلی مردم در روزهای سخت جنگ را با اصلاحات ساختاری در روزهای آتش‌بس پاسخ دهد. چرا که قدرت واقعی یک کشور نه فقط در برد موشک‌ها، بلکه در عمق پیوند میان خانه و خیابان با نهادهای قدرت نهفته است. نوسازی این رابطه، تنها تضمین قطعی برای تبدیل این دوهفته به فصلی نو در تاریخ معاصر ایران خواهد بود.





-133

تأکید رئیس جمهور و چهره‌های سیاسی بر همبستگی ملی

رستگاری با انسجام اجتماعی

پزشکیان: کنار هم می‌مانیم

اپیام ما | جنگ چهل روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران، با پذیرش شروط ده‌گانه ایران از سوی ترامپ به آتش‌بس کشیده شد. در همین راستا بسیاری از مسئولان و چهره‌های سیاسی کشور از جمله رئیس جمهور بر ضرورت حفظ انسجام و وحدت ملی تأکید دارند.

جنگ آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران، با اعلام «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر پذیرش شروط ده‌گانه ایران، همچنین عباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران و شورای عالی امنیت ملی در نخستین ساعات بامداد روز چهارشنبه متوقف شد. اعلام آتش‌بس دوطرفه از سوی مقامات دو کشور ایران و آمریکا و پذیرش آن از سوی اسرائیل، موجب شد تا بسیاری از مقامات و چهره‌های سیاسی که از ابتدای جنگ مردم را به حضور در میدان و حفظ وحدت فرامی‌خواندند، بار دیگر بر حفظ انسجام ملی به وجود آمده در پی جنگ تحمیلی اخیر و پرهیز از اظهارات تندروانه‌ای که این انسجام را مورد تهدید قرار می‌دهند تأکید کنند.

✪ کنار هم می‌مانیم

«مسعود پزشکیان»، رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه از امروز همچنان کنار هم خواهیم ماند در حساب‌کاری خود در شبکه ایکس نوشت: «آتش‌بس با پذیرش اصول کلی موردنظر ایران، نمره خون رهبر شهیدمان خامنه‌ای بزرگ و دستاورد حضور همه مردم در صحنه بود.»

پزشکیان: از امروز نیز

همچنان کنار هم

خواهیم ماند.

چه در میدان

دیپلماسی،

چه در میدان دفاع،

چه در صحنه خیابان

و چه در عرصه

خدمت‌رسانی

| خزارش |

پیام خبر

ناشی از اقتدار میدانی، تاب‌آوری و انسجام ملی و ابتکار دیپلماتیک بود، واجد اهمیت راهبردی است. لازم است همه از جمله رسانه‌ها که در جنگ رمضان خوش درخشیدند، با هوشیاری مؤید مؤلفه‌های مذکور باشند تا اهداف محقق‌نشده دشمن از مسیری دیگر سر برنیارود.»

✪ مجلسیان و تأکید بر انسجام ملی

«محسن زنگنه»، نماینده تربت‌حیدریه در مجلس شورای اسلامی هم در حساب‌کاری خود در شبکه ایکس نوشت: «آمریکا بعد چهل روز، از «تسلیم بی‌قیدوشرط» و «محو ایران از نقشه جهان» و «پایان یافتن تمدن ایران» رسید به «قبول شروط ه‌ا گانه ایران به‌عنوان مبنای مذاکره» و «باز شدن تنگه هرمز با نظارت ایران. این یک پیروزی بزرگ برای ملت ایران است که به مدد همبستگی میدان و خیابان به دست آمد.» در همین راستا، «عثمان سالاری»، نماینده تربت‌جام نیز با بیان اینکه در مذاکرات آینده، حفظ وحدت ملی و حمایت هم‌زمان از میدان دیپلماسی و میدان عمل ضروری است؛ گفت: «عامل و علت اصلی این پیروزی، حضور مردمی و اطاعت و تبعیت از رهنمودها و توصیه‌های رهبر معظم انقلاب بوده است. خوشبختانه این حضور و مقاومت مردم دستاورد بزرگی برای ما به همراه داشت.»

او در ادامه با تأکید بر اینکه نظام ایران یک نظام مردمی است و سرمایه اصلی آن را مردم تشکیل می‌دهند اظهار کرد: «در عمل نیز ثابت شد که این نظام به لحاظ بافتار و ساختار مردمی و همچنین جمهوریت و اسلامیت خود، شکست‌ناپذیر است.»

نایب‌رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: «برای دستیابی به اهداف اصلی، بن‌بست‌شکنی در عرصه بین‌المللی و رفع تنگناهای اقتصادی و معیشتی که طی ۴۵ سال گذشته توسط استکبار جهانی ایجاد شده، این حضور مردمی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده و ارمغان نیکویی از خود بر جای گذاشته است.»

او در ادامه با تأکید بر اهمیت حفظ وحدت در شرایط پیش‌رو گفت: «در مذاکرات آینده، حفظ این وحدت و حمایت هم‌زمان از میدان دیپلماسی و میدان عمل صحنه خیابان و چه در عرصه خدمت‌رسانی.»

✪ همبستگی ملی پشتوانه دیپلماسی موفق

«محمدجواد آذری جهرمی» وزیر ارتباطات و فناوری دولت دوازدهم از جمله نخستین افرادی بود که حفظ وحدت ملی را یادآور شد و بر لزوم خاموشی «مجاهدان شنبه» و تلاطم‌داری آنان تأکید کرد.

جهرمی در شبکه ایکس نوشت: «مبادا که در این دو هفته پیش‌رو خیابان‌ها خالی شود و مجاهدان صبح شنبه با تندرو خواندن دیگران، مدعی تلاطم‌داری اداره امور شوند. تجربه نشان داده که شروع مذاکره به معنای پایان تخاصم نیست. باید مراقب مکرها بود. تداوم حضور مردم در خیابان و حفظ همبستگی ملی و استمرار آمادگی میدان، پشتوانه دیپلماسی موفق خواهد بود.»

«محمدرضا نوروز پور»، معاون امور رسانه‌ای و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در شبکه ایکس نوشت: «پیروزی ایران در تحمیل شرایطش به آمریکا که

دادند. زیدآبادی در کانال تلگرامی خود آینده کشور را در سایه پیروزی به‌دست‌آمده مثبت ارزیابی کرد و با اشاره به اندوه خود برای ایران، در روزهای گذشته تجربه کرده است نوشت: «کشور ما اسیر جنگی شده بود که عاقبتش قابل‌پیش‌بینی نبود. با توطئه‌گری نتانیاہو و دیوانه‌بازی ترامپ و فوران خشم ناشی از ترور رهبری در حلقه نامشخص تصمیم‌گیران در تهران، انتظار بروز هر فاجعه‌ای برای ایران می‌رفت.»

زیدآبادی ادامه داد: «در ه‌ا روز نخست از شدت بی‌تابی و اندوه و ناراحتی عملاً زمین‌گیر شده بودم. تمام‌وقت در رختخواب به سر می‌بردم و خود را به خواب می‌زدم تا از فکرکردن خلاصی یابم. به نظرم می‌آمد فقط افراد اندکی عمق فاجعه را در می‌یابند و مابقی درک روشنی از ماجرا ندارند. هر موشکی که خاک ایران را زخمی می‌کرد و به سرمایه‌ای آسیب می‌زد، انکار خاری در قلبم فرومی‌رفت.»

او یادآور شد: «ما هر نوع قضاوت منفی که نسبت به کارگزاران نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی داشته باشیم و هر ناملایمیتی که از برخی آنان کشیده باشیم، کتمان نمی‌توان کرد که در این جنگ طاقت‌فرسا، بی‌پاک و نترس و کارآمد ظاهر شدند و به‌رغم بارش بی‌امان موشک و بمب بر سر کشور و سایه تهدید دائمی ترور بر سرشان، خود را نباختند و در کنار واردکردن ضربات متقابل به نیروهای متجاوز، عموم مایحتاج مردم از جمله بنزین فراوان و ارزان را تأمین کردند به طوری‌که مردم شهرهای دور از موشک‌باران اصلاً جنگ را حس نکردند. از این مهم‌تر، مقهور خشم و فشار پاره‌ای هواداران هیجان‌زده و تندخوی حکومت نشدند و راه پایداری این جنگ هولناک را از راه دیپلماسی نبستند و در نهایت این شر را از سر کشور کم کردند.»

زیدآبادی تأکید کرد: «بدون تردید این یک پیروزی سیاسی درخشان برای ایران است که نه فقط در تاریخ به ثبت می‌رسد؛ بلکه چشم‌اندازی از امید و اعتماد به نفس برای روزهای آینده ما می‌گشاید.»

او یادآور شد: «کشور صدمات و خسارات انبوهی دیده و جراحات بسیاری برداشته است، اما این همه در سایه احساس پیروزی، قابل‌جبران است چنانچه سرشته درایت و تدبیر گم نشود. ما ایرانی‌ها امروزمان چون دیروزمان نیست. همه چیز به دلیل این جنگ و نتیجه آن، تغییر کرده است. فقط در یک‌کلام بگویم که فرصت‌های زیادی در حال ظهور است. راه اصلاح امور کشور گشوده می‌شود و شیوه براندازی به محاق می‌رود. منظم‌تر آرایش و ثبات عبات عادلانه‌تری به خود می‌گیرد. در این باره سخن چندان زیاد است که اندازه ندارد.»

✪ فروپاشی جامعه ایران تهمت است

«ابوالفضل فاتح» نیز نوشت: «در معرکه تمدن و تفرعن، ایران درخشید؛ گویا، لیلۃ‌القدر ناب‌ترین مردمان زمانه است. نه کتاب‌سوزی مغول، نه تمدن‌سوزی ترامپ، قامت ملتی تمدن‌ساز را فرو شکست. در «این لحظات تاریخ طولانی و پیچیده جهان»، و در این تحدی نمایندگان انسان، با سران دهشت تکنولوژیک، صدای کشتن استخوان‌های اتحادیه طمع‌کاران عالم، شنیدنی است. دیدیم که در ضیافت مزداران دلیرمان، جهان به تماشای مفهوم وطن نشست. بریده باد دستی که بر پیکر ایران بلند شود.»

او ادامه داد: «به‌رغم تحلیل‌های بدبینانه، تحولات گواهی داد که فروپاشی برای جامعه پیدار ایران، یک تهمت است. باور کنیم: ایران را از نو باید شناخت. در این صحنه‌های عظیم، روایتی پاری خدا، عیان‌تر از روز است، اما سفارش به مراقبت شده‌ایم که غفلت از کین و کمین بیگانه مهلک است؛ به‌ویژه آن که با شروترزین و بدعهدترین سیاست‌مداران دوران اخیرشان مواجه شده‌ایم. داستان تقسیم غنائم و تنگه اُحد نیز افسانه نیست. باور کنیم، آنان در اندیشه شبخون سوم‌اند و اگر بتواند درنگ نخواهند کرد.»

✪

همچنین «امانوئل مرون» رئیس‌جمهوری فرانسه جلسه‌ای با مقام‌های ارشد دفاعی و امنیتی تشکیل داد و این رخداد را «مسئله بسیار خوبی» که باید «به طور کامل» شامل لبنان نیز شود، ارزیابی کرد. وزارت امور خارجه قطر نیز آتش‌بس را گامی اولیه در مسیر کاهش تنش توصیف کرد و خواستار پایبندی کامل به آن شد. وزارت خارجه قطر در بیانیه‌ای تأکید کرده است که این آتش‌بس باید به طور فوری اجرا شود تا دایره تنش‌ها در منطقه گسترش نیابد. در این بیانیه بر اهمیت پایبندی کامل به آتش‌بس به‌گونه‌ای که



-133

| سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۳۷۸ | پنجشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۵ |

| خبر |

مدیرکل محیط‌زیست ایلام:

پنجمین پلنگ ایرانی در دهلران شناسایی و ثبت شد

مدیرکل حفاظت محیط‌زیست ایلام گفت: «در راستای برنامه‌های پایش و مطالعه زیستگاه‌های حساس استان، محیط‌بانان ما در شهرستان دهلران موفق شدند مستندات ارزشمندی از حضور یک قلاده پلنگ ایرانی جدید را به ثبت برسانند.»

«علیرضا محمدی» اظهار کرد: «فرایند شناسایی این گونه ارزشمند، از اوایل فروردین‌ماه و با مشاهده ردپاهای مستدل در منطقه آغاز شد. هم‌زمان با دریافت گزارش‌های مردمی مبنی بر رویت یک قلاده پلنگ نر با چنه‌ای بزرگ در کنار یک پلنگ ماده، محیط‌بانان ما با همکاری صمیمانه جوامع محلی، عملیات رصد و دوربین‌گذاری را در ارتفاعات منطقه کلید زدند.» مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان ایلام تصریح کرد: «پس از دو ماه تلاش مستمر و پایش دقیق شبانه‌روزی، سرانجام دوربین‌های تلفای موفق به ثبت تصویری باکیفیت از این پلنگ نر درشت چنه شدند. لازم به ذکر است که این پنجمین حضور رسمی و شناسنامه‌دار یک در سطح استان ایلام است که نشان از امنیت زیستگاه و غنای زنجیره غذایی در این مناطق دارد.»

محمدی ضمن قدردانی از تلاش‌های بی‌وقفه محیط‌بانان، آقایان «مهدی مامی» و «فریدون باویر»، بر نقش بی‌بدیل مشارکت‌های مردمی تأکید کرد و گفت: «ثبت این تصویر ارزشمند بدون همراهی دلسوزانه دوستداران طبیعت، آقایان فرشید نوروزی و ایلیامامی و همکاری اهالی شریف منطقه میسر نبود؛ این همدلی میان سازمان و مردم، اصلی‌ترین رکن حفاظت‌از میراث طبیعی زاگرس است.» / ایسنا

✪

ممنوعیت ورود به مناطق حفاظت‌شده آذربایجان شرقی

مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان شرقی از ممنوعیت ورود به مناطق تحت مدیریت مرزی استان به‌منظور صیانت از تنوع زیستی در دوره زادآوری و در نظرگرفتن شرایط امنیتی خبر داد.

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان با اشاره به اهمیت آرامش منطقه در دوره‌های زادآوری در پایداری زیست بوم ها گفت: زادآوری در تنوع زیستی، ضامن بقای جمعیت گونه‌ها و پویایی تمامی اجزای زیست بوم و همچنین پایداری زنجیره غذایی است که این فرآیند به‌شدت تحت تأثیر شرایط محیطی و فعالیت‌های انسانی، حتی حضور فیزیکی در زیستگاه‌ها قرار دارد. محمدمحسین حسن‌زاده، افزود: در شرایط حساس کنونی و با توجه به تغییرات ژئوپولیتیک و محدودیت‌های امنیتی در مرزهای شمالی استان، این اداره کل تأکید بر اعمال ممنوعیت ورود به برخی مناطق تحت مدیریت شده است. بر این اساس، ورود به پارک‌های ملی کنتال و ارسباران و همچنین محدوده‌های امن مناطق ارسباران، دیزمار وکیامکی تا پایان تیرماه سال جاری ممنوع‌اعلام می‌شود. وی با تأکید بر ضرورت همکاری کلیه احاد جامعه گفت: از عموم شهروندان، هیات‌های ورزشی، گروه‌های کوهنوردی و توره‌ای گردشگری درخواست می‌شود در راستای حفظ تعادل اکولوژیک و صیانت از تنوع زیستی، از ورود به این مناطق تا اطلاع ثانوی خودداری کنند. محمدمحسین حسن‌زاده، تأکید کرد: مطابق قوانین جاری، ورود به این مناطق حتی در شرایط عادی نیز مستلزم اخذ مجوز از اداره کل حفاظت محیط زیست است و پس از پایان دوره ممنوعیت نیز تردید تنها با دریافت مجوز رسمی امکان‌پذیر خواهد بود. / صدواسیما

✪

پیگیری اختصاص ردیف اعتباری برای احیای تالاب میان‌کاله

در نشست مشترک مدیرکل حفاظت محیط‌زیست مازندران و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، مهم‌ترین ردیف‌های اعتباری و طرح‌های راهبردی حوزه محیط‌زیست استان موردبحث وتبادل نظر قرار گرفت. مدیرکل حفاظت محیط‌زیست مازندران گفت: «در این دیدار، موضوع «پیگیری ردیف اعتبار مستقل در سطح ملی برای احیای تالاب بین‌المللی میان‌کاله» به‌عنوان یک اولویت اساسی مطرح گردید.» کنعانی با تأکید بر جایگاه بین‌المللی این ذخیره‌گاه زیست‌کره، خواستار حمایت سازمان مدیریت استان برای تثبیت بوجه‌های پایدار ملی در این بخش شد. وی همچنین در این نشست، بر ضرورت تخصیص حداکثری اعتبارات تمکل دارایی‌های سرمایه‌ای سال ۱۴۰۴ برای تکمیل طرح‌های زیرساختی و حفاظتی تأکید کرد و افزود: «تأمین منابع مالی لازم، لازمه تقویت پایش‌ها و صیانت مؤثر از عرصه‌های طبیعی استان است.» هماهنگی برای طرح و تصویب طرح‌های مدیریت مناطق چهارگانه در شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان از دیگر محورهای کلیدی این نشست بود. این اقدام به‌عنوان نقشه راه مدیریت علمی و صیانتی از مناطق تحت مدیریت محیط‌زیست مازندران، مورد توافق و تأکید طرفین قرار گرفت.

در پایان، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران نیز ضمن استقبال از طرح‌های پیشنهادی، بر آمادگی این سازمان جهت همکاری حداکثری در راستای تحقق اهداف زیست‌محیطی و پیش‌بینی زیرساخت‌های بوجه‌ای لازم تأکید کرد. / صدواسیما

گفت‌وگو با محمد جهانشاهی، کارشناس حوزه گردشگری

باید برای سخت‌ترین شرایط، نقشه راه گردشگری داشته باشیم



میراث جهانی ایران

نوروز ۱۴۰۵ تعطیلات ویژه‌ای برای همه ایرانی‌ها بود، برای صنعت گردشگری ویژه‌تر؛ کشوری که سال‌هاست تعداد گردشگر خارجی در آن، هر سال از سال قبل کمتر شده و می‌توان گفت در نوروز ۱۴۰۵ به صفر رسیده است. جنگ تحمیلی که حالا پس از ۴۰ روز به آتش بسی دوهفته‌ای رسیده، بسیاری از استان‌های کشور را درگیر کرد. حدود ۷۰ هتل در نقاط مختلف کشور به‌ویژه در استان‌هایی که بیشتر درگیر جنگ بودند، دچار آسیب‌دیدگی شدند.

در این گفت‌وگو تلاش کردیم وضعیت گردشگری در شرایط حاضر را برای ایران بررسی کنیم، محمد جهانشاهی کارشناس گردشگری در ایام نوروز ۱۴۰۵ به‌عنوان ناظر عالی ستاد خدمات سفر کشور در استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان حضور داشته‌و از نزدیک شاهد شرایط گردشگری این استان‌ها در نوروز بوده‌ است. جهانشاهی دبیر کمیته ملی طبیعت‌گردی کشور است. او عناوین معاون گردشگری استان کرمان و مدیرکل سابق میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان سمنان را نیز در کارنامه دارد.

جهانشاهی معتقد است با خلاقیت و برنامه‌های گردشگری درون‌زا می‌توان آستانه تحمل صنعت گردشگری را در چنین شرایطی بالاتر برد.

همان‌گونه که اشاره داشتید صنعت گردشگری کشور

به‌صورت کلی دچار شرایط بسیار سختی است. البته این وضعیت در بخش‌های مختلف زنجیره تأمین، متفاوت

است و حتی برای هر بخش نیز باتوجه‌به موقعیت

جغرافیایی و شرایطی که داشته، متفاوت است. به‌عنوان مثال بخش خدمات سفرهای هوایی و تورهای

گردشگری که توسط آژانس‌های مسافرتی انجام می‌شود، با خسارت‌های سنگینی مواجه است که علاوه بر

ازدست‌دادن درآمدهای چند ماه اخیر، به واسطه ثبت

سفرارش‌ها و قراردادهایی که برای این فصل کاری بسته بود، تا مدت‌ها درگیر تعهدات و کنسلی‌های حاصل از این

شرایط خواهد بود. در بخش اقامت و هتل‌ها هم، استان

به استان و گاهی شهر به شهر شرایط متفاوت است. از

تعطیلی و حتی جمع‌آوری تجهیزات هتل‌ها مثلاً در بندرعباس و تهران و یزد بگیریم تا ضریب اشغال بالای ۸۰

درصد در هتل‌های مازندران و گیلان، سفرهای فراغتی و گردش‌ی در نوروز امسال، شکل نگرفت و ضربه سنگینی به

صنعت گردشگری کشور وارد کرد. لغو برنامه‌های سفر و

تغییر رویکرد از سفرهای فراغتی و تفریحی به سفرهای امنیت‌محور، الگوهای خاصی را رقم زد. این وضعیت

باعث شد بخش عمده‌ای از حدود ۳۰ میلیون سفری که در کشور انجام شد، عمدتاً خارج از زنجیره تأمین

گردشگری انجام پذیرد. یعنی شرایط جنگی در نوروز باعث شد، سبد اصلی خانوار بر مایحتاج ضروری متمرکز شود و

آن بخش از جامعه هم که تحت‌فشار حملات دشمن و التهابات ناشی از این وضعیت قرار داشتند یا به سمت

اقوام و دوستان سفر کردند و یا اگر فضای اقامتی در مناطق امن‌تر تأمین کردند، عمدتاً فضاهای اشتراکی و

غیررسمی بود که هزینه‌های کمتری را برای مدت‌زمان طولانی‌تر، در بر می‌گرفت. ما در نوروز امسال متوسط

ماندگاری بالای ۶ روز را تجربه کردیم. یعنی بخش زیادی از خانوارهایی که مسافرت کردند، حداقل ۶ شب را در

محیطی به‌دوراز خانه اقامت داشتند که عمدتاً فضاهای غیرمکتلی و غیررسمی بود؛ هر چند در مناطق امن‌تر،

خبرازش |

در کاروان سرای شاه‌عباسی چه خبر است؟

مدیر ای انجمن محیط‌زیستی در سمنان از وضعیت «کاروان‌سرای شاه‌عباسی» و فضای طبیعی آن در شهر سمنان انتقاد کرد و گفت: «فضای طبیعی و درختان کهن‌سال این مجموعه تاریخی به طور کامل از بین رفته و به‌جای آن خیابانی احداث شده است. همچنین بخشی از نهر قدیمی لوله‌گذاری و مدفون شده و بخش‌هایی از فضای طبیعی نیز تخریب شده است.»

«نیلوفر مداح»، مدیر انجمن محیط‌زیستی «فانوس» با انتقاد از وضعیت کاروان‌سرای شاه‌عباسی سمنان و فضای طبیعی آن، گفت: «سمنان، شهری تاریخی با الگویی مشابه اصفهان، از جمله شهرهایی است که شکل‌گیری آن بر پایه آب و جریان‌های طبیعی استوار بوده و هنوز نیز نشانه‌های این نظام کهن در بافت شهری آن قابل‌مشاهده است. جریان آب رودخانه «گل‌رودبار» در جوی‌های این شهر تاریخی ادامه دارد و بسیاری از بناهای مهم در امتداد همین نهرها شکل‌گرفته‌اند، از جمله کاروان‌سرای شاه‌عباسی سمنان که در میدان سعدی واقع شده است و از مهم‌ترین آثار تاریخی این شهر به شمار می‌رود.»

او افزود: «در ضلع شرقی این کاروان‌سرای تاریخی، نهر «ناسار» جریان دارد که به استخر ناسار در نزدیکی بنا می‌ریزد. این نهر در محدوده‌ای که به‌اصطلاح محلی «برجم» نامیده می‌شود، به دو شاخه تقسیم شده و محیطی طبیعی با درختان کهن‌سال را شکل داده است. بخشی از آب به استخر ناسار یا باغ شاه هدایت می‌شود و بخش دیگر به سمت باغ و مجموعه تاریخی تدین جریان می‌یابد. در اوایل جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، با مراجعه به این محدوده مشاهده کردیم که فضای

پیام عبرت ▶

ظرفیتی برای حمایت از این صنعت باشد. صنعت گردشگری فقط هتل و اقامتگاه و دیگر بخش‌هایی که با آن‌ها به‌عنوان گردشگری برخورد می‌کنیم نیست. اثرات غیرمستقیم این صنعت در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اهمیت ثبات و تداوم این بخش را چندبرابر می‌کند. یعنی اگر به طور مثال در یک منطقه روستایی تعداد ۲۰ نفر در قالب اقامتگاه‌های بوم‌گردی اشتغال مستقیم دارند، فعال بودن این ۲۰ نفر باتوجه‌به ضریب تکثیر بالایی که این صنعت دارد، می‌تواند در کیفیت و کمیت معیشت چندبرابر این عدد در سطح روستا تأثیر بگذارد. در سطح شهرها هم به همین ترتیب زنجیره‌ای از خدمات و افراد برای سرپا ماندن یک هتل درگیر هستند که بخش زیادی از آن‌ها در هتل مشغول نیستند.

❗ پس از ۴۰ روز شاهد آتش بس دوهفته‌ای هستیم، اگر جنگ به‌طورکلی پایان یابد چه اقداماتی برای گردشگری در ایران باید انجام دهیم؟

کار سختی بر عهده تک‌تک ما و بر عهده تک‌تک بخش‌هاست تا هرچه سریع‌تر کشور را به شرایط پایداری برسانیم. قطعاً زحمت زیادی دارد و هر چه سطح مشارکت جامعه بیشتر و بالاتر بود این اتفاق زودتر رخ خواهد داد. باتوجه‌به آمار و ارقام و روندهایی که وجود دارد باید سناریوهای متنوعی برای سخت‌ترین شرایط در کشور تدوین گردد تا باتوجه‌به هر وضعیتی امکان فعالیت فراهم باشد. ضریب اشغال واحدهای اقامتی، مهم‌ترین شاخص برای ارزیابی گردشگری است و هر استان باید افزایش این عدد را هدف‌گذاری نماید. هر چه این ضریب روند رو به‌رشدی داشته باشد، می‌توان اطمینان داشت چرخ‌های این صنعتِ خدماتی، بهتر و بیشتر می‌چرخد و بخش‌های بیشتری اعم از دفاتر خدمات مسافرتی، مجموعه‌های غذایی و پذیرایی، راهنمایان گردشگری، فروشگاه‌های صنایع‌دستی و سوغات، تولیدات محلی و… فعال می‌شوند و این یعنی رسوب و توزیع منابع در جامعه و کمک به فعال‌تر شدن بازار و اقتصاد کشور. بدون شک ما بخشی از داشته‌هایمان را در صنعت گردشگری کشور از دست‌داد‌ه‌ایم و این طبیعی است. ما نمی‌دانیم پس از دو هفته چه شرایطی رقم خواهد خورد و در همین نوروز و در فضای جنگ، بخش‌هایی از استان وضع به چه شکلی خواهد بود اما می‌دانیم این جنگ اثرات اقتصادی و سیاسی زیادی در کشور، منطقه و جهان داشته است. درک این شرایط و هم‌فکری و تلاش جمعی می‌تواند ما را در مواجهه با این وضعیت و وضعیت‌های سخت‌تر مقاوم کند. همین‌الان بحث ادامه فعالیت بخش‌های حرفه‌ای ورزشی به‌صورت تجمیعی در برخی از استان‌هایی وجود دارد که فضای آرام‌تری داشتند؛ مثلاً کرمان یکی از این استان‌هاست که با محدودیت زیرساخت هم مواجه نیست. برای ادامه لیگ برتر فوتبال که به لحاظ اقتصادی، مهم‌ترین بخش ورزش حرفه‌ای کشوراین است، وجود زمین‌های مناسب، هتل‌ها و پراکندگی در چند نقطه استان، می‌تواند فرصت مناسبی برای گردشگری و دیگر بخش‌های اقتصادی این استان باشد. در حاشیه استان قابلیت جذب از بازارهای نزدیک و بزرگی چون شیراز، بندرعباس و یزد و زاهدان وجود دارد. در همین نوروز و در فضای جنگ، بخش‌هایی از استان شاهد حضور چشمگیر مسافرانی از هرمزگان، سیستان و بلوچستان و پس از آن یزد و شیراز بودیم. این امکان وجود دارد که با طراحی کمپین‌هایی از طرف فعالان صنعت گردشگری استان، با رویکرد سفرهای اقتصادی و کم‌هزینه‌تر نسبت به ترغیب بازار اقدام نمایند. برای شهرداری‌ها و شوراهای شهر این امکان وجود دارد که با اعمال تخفیف و یا بخشودگی‌های عوارض مدت‌دار، فشار ناشی از این شرایط را کاهش دهند. برای برون‌رفت از این شرایط و بقا در صنعت گردشگری استان، به‌یاد همه بخش‌ها چه خود فعالان این صنعت و چه بخش‌های متولی و حمایتگر، هر یک نقش جدی بر عهده بگیرند. نوروز امسال پوششی به نام «میزبانی خوبان» در استان کرمان و سیستان و بلوچستان فعال شد که هدف آن فراهم‌کردن اقامت با هزینه کمتر برای مسافران مناطق درگیر جنگ بود. یعنی کاهش هزینه‌های اقامت و خوردوخوراک تاحدی‌که سود حداقلی داشته باشد و نیز افزایش تعامل بین میهمان و میزبان را در بر بگیرد؛ به‌گونه‌ای که باعث کاهش فشارهای روانی و مادی این دست مسافران باشد. این یک حرکت خوب بود اگر چه فراگیر نشد؛ اما نمونه‌ای قابل‌تأمل بود. این دست حرکت‌ها می‌تواند بیشتر و جدی‌تر موردحمایت قرار گیرد.

۳

روزنامه سازمان پيام

| خبر |

آسیب به میراث ریلی جهانی

بخش‌هایی از راه‌آهن سراسری ایران در تجاوز ارتش تروزیست آمریکا و رژیم صهیونیستی دچار آسیب شده، این در حالی است که این اثر تاریخی در سال ۱۴۰۰ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد. بدین ترتیب بخشی از یکی از مهم‌ترین پروژه‌های مهندسی قرن بیستم ایران که میراث بشری است، نشانه گرفته و تخریب شد. راه‌آهن سراسری ایران با طول حدود ۱۳۰۹۴ کیلومتر یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های زیرساختی تاریخ معاصر ایران است که درای خزر را به خلیج فارس متصل می‌کند. این مسیر از بندر ترکمن در شمال آغاز می‌شود و تا بندر امام خمینی در جنوب امتداد می‌یابد و از دل رشته‌کوه‌های الیز و زاگرس عبور می‌کند.

احداث این راه‌آهن در سال ۱۳۰۶ شمسی در دوره پهلوی اول با حضور مهندسان بلژیکی و آلمانی آغاز شد و در سال ۱۳۱۷ به بهره‌برداری رسید؛ پروژه‌ای که در زمان خود، به دلیل شرایط سخت جغرافیایی ایران، یکی از پیچیده‌ترین طرح‌های مهندسی جهان محسوب می‌شد. عبور از کوهستان‌های صعب‌العبور و دره‌های عمیق و مناطق بیابانی، نیازمند طراحی و اجرای صدها سازه فنی از جمله ایچاد پل‌ها، تونل‌ها و پیچ‌های مهندسی شده بود.

در ساخت این مسیر، بیش از ۱۷۰ پل بزرگ و صدها پل کوچک و نیز بیش از ۲۰۰ تونل احداث شد؛ عناصری که بسیاری از آن‌ها امروز خود به‌عنوان آثار مهندسی ارزشمند شناخته می‌شوند. پل‌هایی که در حملات اخیر آسیب دیده‌اند، بخشی از همین شبکه پیچیده و تاریخی هستند. طراحی و اجرای این پروژه با مشارکت مهندسان و شرکت‌های بین‌المللی انجام شد. در جمله دانمارک، سوئد، آلمان و ایتالیا در طراحی و ساخت بخش‌های مختلف مسیر نقش داشتند، اما مدیریت و پیشبرد پروژه به‌طور کامل در اختیار دولت ایران بود؛ نکته‌ای که در زمان خود به‌عنوان یک دستاورد مهم ملی تلقی می‌شد. ثبت این راه‌آهن در فهرست جهانی یونسکو نیز دقیقاً به دلیل ترکیب بی‌نظیر مهندسی، تطبیق با طبیعت و نقش آن در توسعه تاریخی و اقتصادی ایران صورت گرفت.

محمدحس طالبیان، معاون سابق میراث‌فرهنگی و از مسئولان تدوین پیونده ثبت جهانی راه‌آهن سراسری ایران، درباره حملات صورت‌گرفته به این میراث گفت: «مکزک میراث جهانی ایران نامه‌های زیادی به یونسکو ارسال کرده و وزیر میراث‌فرهنگی نیز بلافاصله پس از هشدار نسبت به حملات به یونسکو نامه نوشت و خواستار موضع‌گیری قاطع آن‌ها شد.» / ایلنا

تخت مرمر در کاخ گلستان حفاظت اضطراری شد

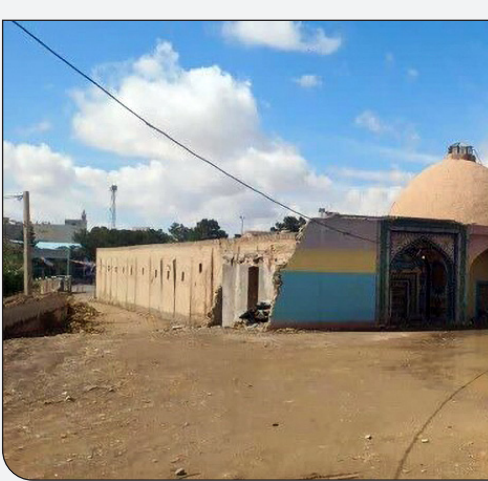
«حفاظت اضطراری و مستندنگاری» تخت مرمر در کاخ گلستان که در اثر موج انفجار در حمله هوایی به میدان ارگ تهران، آسیب دیده بود، انجام شد. «آقرین امامی»، مدیرمجموعه میراث جهانی کاخ گلستان، از پایان اقدامات اجرائی «حفاظت اضطراری و مستندنگاری» قطعات و اجزای پراکنده تزیینات بنای تاریخی ایوان تخت مرمر کاخ گلستان خبر داد و اظهار کرد: «پس از بروز آسیب‌هایی که بر اثر موج انفجار ناشی از پرنه‌ب‌های دشمن، به ساختمان‌های واقع در میدان ارگ و تکه‌انه‌های ناشی از آن به این مجموعه وارد شده بود، اقدامات اجرائی «نجات‌بخشی و مستندنگاری» قطعات و اجزای پراکنده تزیینات بنای تاریخی ایوان تخت مرمر کاخ گلستان به روش تخصصی انجام و به پایان رسید. از جمله آسیب‌ها می‌توان آسیب به آینه‌کاری‌ها، قنادبندهای چوبی، گزگاری‌ها، ختیم‌کاری‌ها و ارسنی‌ها اشاره کرد.»

او با اشاره به حضور مستمر کارشناسان مرمت در این مجموعه، گفت: «در شرایطی که کم‌کم‌ان حمله نظامی دشمن همچنان ادامه داشت، مرمتگران و کارشناسان موزه‌های این مجموعه، پای‌کار آمدند و

اقدامات اجرائی «حفاظت اضطراری و مستندنگاری» قطعات و اجزای پراکنده تزیینات بنای تاریخی ایوان تخت مرمر کاخ گلستان با موفقیت به پایان رساندند.» مدیرمجموعه میراث جهانی کاخ گلستان اظهار کرد: «ایوان تخت مرمر یکی از شاخص‌ترین آثار کاخ است و کوچک‌ترین آسیب به آن باید با حساسیت و دقت بالا انجام شود. از این‌جهت در گام نخست مستندنگاری آسیب‌ها انجام شد و سپس نسبت به جمع‌آوری و تفکیک قطعات اقدام شد. همچنین باغ‌های آخشفته در ضلع جنوبی کاروان‌سرا و اطراف شهرداری ان‌شاء‌الله با فراهم‌شدن شرایط مرمت جامع و تکمیلی تزیینات، عملیات مستندنگاری در سه مرحله قبل، حین و بعد از مرمت کامل خواهد شد.» امامی ادامه داد: «از آنجایی‌که بخش وسیعی از اجزای عناصر معماری و تزیینات از اصالت و قدمت تاریخی برخوردار هستند، به هنگام مرمت قطعات جمع‌آوری‌شده در محل اصلی خود نصب و به کار گرفته خواهند شد؛ بنابراین تلاش خواهد شد تا در مرمت تزیینات از قطعات موجود استفاده شود و از به‌کارگرفتن مصالح جدید خودداری شود. این موضوع در راستای حفظ اصالت اثر از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین به‌منظور نمایش بخشی از تاریخ کشور و نمایش قسارت دشمن، نمایشگاهی دائمی از قطعاتی که به کار گرفته نشوند برقرار خواهد شد.» مدیرمجموعه میراث جهانی کاخ گلستان همچنین تأکید کرد: «باتوجه‌به ارزش استثنایی این اثر، روند مرمت مطابق با استانداردهای بین‌المللی و زیر نظر متخصصین انجام خواهد شد و پس از تکمیل ارزیابی‌ها، اطلاع‌رسانی دقیق‌تری درباره اقدامات بعدی ارائه خواهیم داد.» / ایسنا

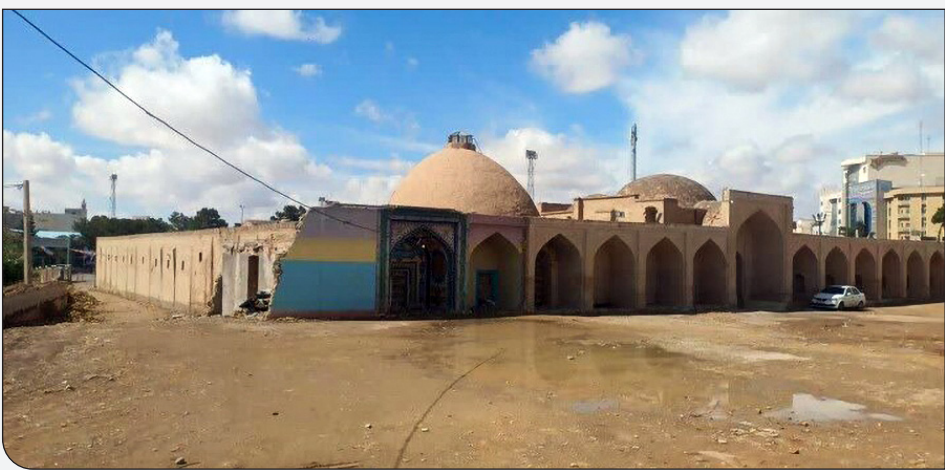
او اظهار کرد: «وضعیت کاروان‌سرای شاه‌عباسی سمنان نیز با انتقادهایی همراه است. این بنای تاریخی رها شده، اجزای آن دچار آلودگی شده و در برابر رطوبت و عوامل جوی بدون حفاظت باقی‌مانده است. این در حالی است که وزیر میراث‌فرهنگی در سفر بهمن‌ماه خود به سمنان، دستور مرمت این بنا با استفاده از ظرفیت مالی شهرداری و تبدیل آن به موزه را صادر کرده بود، اما پس از این سفر، وضعیت اجرای این دستور نامشخص مانده است.»

مداح در پایان با اشاره به پیامدهای این طرح اظهار کرد: «به نظر می‌رسد هدف نهایی، ازبین‌بردن بخش‌های باقی‌مانده باغ‌های آخشفته در ضلع جنوبی کاروان‌سرا و اطراف شهرداری باشد و ضروری است نهادهای متولی میراث‌فرهنگی و محیط‌زیست برای ثبت و حفاظت این باغ‌ها اقدام فوری انجام دهند و از تعریض تدریجی کوچه‌های اطراف کاروان‌سرا جلوگیری شود.» / ایسنا



سرای‌عالی شهرسازی و معماری، «بهینه حفاظت در حریم شهر» به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که در آن حفظ وضعیت طبیعی و جلوگیری از هرگونه دخل‌وتصرف الزامی است. همچنین بر اساس قانون آب مصوب ۱۳۴۷، بستر رودخانه‌ها و منابع آبی، ثروت ملی محسوب شده و در مالکیت عمومی قرار دارند. علاوه بر این، مطابق ماده یک قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳، حفاظت و جلوگیری از هرگونه اقدام مخرب که تعادل محیط‌زیست را بر هم بزند، از وظایف سازمان حفاظت محیط‌زیست است.

مداح در ادامه با انتقاد از عملکرد مدیریت شهری گفت: «در سال‌های اخیر، شورای شهر و شهرداری سمنان نسبت به شناسنامه‌دار کردن درختان، به‌ویژه درختان کهن‌سال، غفلت کرده‌اند و حتی گزارش‌هایی از قطع برخی درختان نیز منتشر شده است. همچنین هیچ بانک اطلاعاتی جامعی از فضای سبز شهری، خانه‌باغ‌ها و درختان کهن‌سال تهیه نشده است.»



روزنامه سیاسی – اجتماعی صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌آناه خدشی زیر نظر شورای سردبیری دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان مدیر هنری: تیوا صدیان دبیر دفتر: یاسر خدشی

است و نه امکان انصراف کامل از آن‌ها.

برای فهم عمیق‌تر این وضعیت، می‌توان به مفهوم «تعلیق» در اندیشه فلسفی نیز رجوع کرد. در اینجا، تعلیق نه صرفاً به معنای توقف، بلکه به معنای تعویق معنا و تصمیم است. جامعه‌ای که در تعلیق به سر می‌برد، جامعه‌ای است که در آن، معناها به طور مداوم به آینده‌های نامعلوم حواله داده می‌شوند. افراد در چنین جامعه‌ای، همواره در حال «انتظار» هستند؛ انتظار برای بهبود شرایط، برای ثبات اقتصادی، برای گشایش سیاسی، یا حتی برای پایان یک بحران. اما این انتظار، اغلب به فرسایش می‌انجامد، چرا که افق تحقق آن نامشخص‌است.

در این میان، می‌توان از مفهوم «زیست‌جهان» نیز بهره گرفت؛ جایی که تجربه‌های روزمره افراد شکل می‌گیرد. در ایران امروز زیست‌جهان افراد به‌شدت تحت‌تأثیر این وضعیت تعلیق قرار گرفته است. تصمیم‌هایی که در شرایط عادی، بخشی از روند طبیعی زندگی محسوب می‌شوند؛ مانند ازدواج، مهاجرت، اشتغال یا سرمایه‌گذاری اکنون به تصمیم‌هایی پرریسک و معلق تبدیل شده‌اند. افراد نه می‌توانند به طور کامل وارد این تصمیم‌ها شوند و نه می‌توانند از آن‌ها صرف‌نظر کنند. نتیجه، نوعی «زندگی در حالت تعلیق» است؛ زندگی که در آن، زمان، توانمندی‌ها، پویایی‌ها، حساسیت‌ها، معنی گسترده آن نیز برای تحلیل این وضعیت استفاده کرد؛ مفهومی که در دستگاه نظری پیر بوردیو به‌خوبی صورت‌بندی شده است. فرسایش سرمایه اقتصادی، به‌ویژه برای طبقه متوسط در ایران امروز باعث شده است که امکان برنامه‌ریزی برای آینده کاهش یابد. درعین‌حال، کاهش سرمایه اجتماعی به معنای اعتماد، شبکه‌های ارتباطی و احساس تعلق باعث شده‌است که افراد احساس تنهایی و بی‌پناهی بیشتری کنند. این

زمانی برای نزیستن



امحمد محمدی ا

پژوهشگر و جامعه‌شناس ا

«آنجه زیستن را به تابه‌ی می‌کشاند، نه ناامیدی، بلکه آینده‌ای است که در غیاب ارزش‌های عمیق، تنها به‌صورت کلیتی مبهم و بی‌شکل خودنمایی می‌کند» -برنارد ویلیامز

زندگی در ایران امروز، در ورطه «انتظار» ی بی‌پایان قفل شده‌است؛ بازی‌ای که نه می‌داند کی پایان می‌گیرد و نه می‌شود حدس زد نتیجه‌اش چیست. این «تعلیق» فراگیر فقط یک حس شخصی نیست؛ در تاروپود شهر نشسته، در ریمت کند زیست روزمره تنیده، و در آفتی که هر روز مه‌آلودتر می‌شود، جوش خاش کرده است. انگار «منطق تعویق» بر همه چیز فرمان می‌راند و جمله کوتاه‌ش را «فعال صبر کن» بر آدم‌ها تحمیل می‌کند. حاصل، انفعال نهادینه‌شده‌ای است که آینده را به پرده‌ای از ابهام بدل می‌کند و پیروزهای نیمه‌تمام را در چرخه «بی‌سرانجامی» می‌چرخاند. ما اکنون در «برزخی آشنا» گیر افتاده‌ایم؛ به سه‌ساحل مقصد روشن رسیده‌ایم و نه در این «حال معلق» به دراز کشیده‌ایم. دست‌نیاخته‌ایم.

برای فهم این وضعیت، شاید بتوانیم از مفهوم «بی‌زمانی» (Timelessness) «زنگموند باومن»، جامعه‌شناس هلستانی، استفاده کنیم؛ وضعیتی که در آن، گذر زمان معنای خود را از دست می‌دهد و گذشته،

اخبار

گفت‌وگوی «پیام ما» با مدیر آموزشگاه موسیقی «هونیاک» که در جنگ به طور کامل تخریب شد

خاکستری از سازها

«هونیاک»، یک نام موسیقایی و به معنای آواز خوش است که ریشه‌اش همان واژگان «حنیا» و «خونیاک» است؛ نام آموزشگاه موسیقی «حمیدرضا آفریده» که در روزهای جنگ و تهوروز با خاک یکسان شد و جای تمام آواهای خوشی که در آن شنیده می‌شد را صدای انفجار پر کرد. روز هجدهم فروردین و در روزهایی که زیرساخت‌های ایران تهدید می‌شد، آفریده برای آخرین بار با ناوختن ساز در میان دیوارهای فروریخته آموزشگاه و سازهای خاکسترنشده، با هونیاک خداحافظی کرد. می‌خواست آخرین صدایی که در آنجا می‌ماند صدای ساز باشد. حالا که برای دو هفته آتش بس اعلام شده، آفریده به «پیام ما» می‌گوید تمام سرمایه سال‌ها کار او و همسرش نابود شده و هیچ محلی برای ازسرگیری کلاس‌ها و فعالیت‌ها ۲۲ معلم موسیقی ندارد. او در گفت‌وگوبا «پیام ما» روایت انفجار سوم فروردین ۱۴۰۵ در خیابان پیروزی و آسیب به این آموزشگاه موسیقی در تهران را شرح می‌دهد.



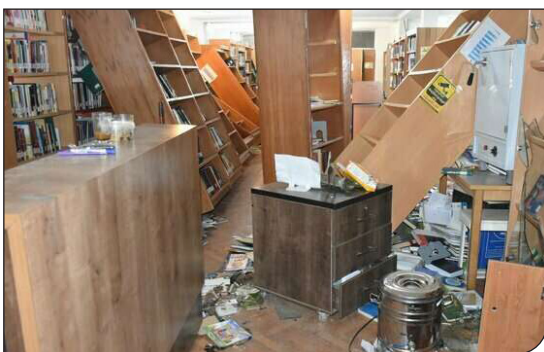
عکس دریاغی ا

اخبار

اعتراض به تخریب کتابخانه‌های ایران در جنگ

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در نامه‌ای به رئیس فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری (IFLA)، با اعلام خبر تخریب کامل دو کتابخانه و آسیب به ۶۲ مرکز دیگر در حملات نظامی، این اقدام را نقض آشکار حقوق بین الملل بشردوستانه خواند و خواستار محکومیت صریح و درخواست از جامعه جهانی برای حفاظت از زیرساخت‌های فرهنگی شد.

در پی حملات نظامی اخیر ایالات متحده آمریکا و اسرائیل به مراکز فرهنگی و عمومی ایران، «آزاده نظربلند»، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، با ارسال ام‌های رسمی به «الزی ویر»، رئیس انفلا، مراتب اعتراض شدید جامعه کتابداران ایران را اعلام کرد و خواستار واکنشی قاطع از سوی این نهاد بین‌المللی شد. / ایسنا



دبیر محیط زیست؛ فاطمه باخانی دبیر گزارش؛ مهتاب جوذکی دبیر میراث و گردشگری؛ فرزانه قبادی دبیر خبر؛ یاسر مختاری صفحه‌آرا؛ صدف سرداری

رتبه روزنامه پیام ما: ۲

نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوماً دیدگاه روزنامه نیست.

ترکیب، یعنی فرسایش هم‌زمان سرمایه‌های مختلف، به تعمیم وضعیت تعلیق دامن می‌زند. در اینجا، لازم است به پژوهش خود در باب «طبقه متوسط فقیر در ایران معاصر» نیز اشاره کنم؛ پژوهشی که ارتباط به این زیست در تعلیق دارد و نشان می‌دهد چگونه این طبقه در وضعیت «زیست میانه» قرار گرفته‌است. این طبقه، نه در موقعیت برخوردار و نایبات قرار دارد و نه در موقعیت فردوست مطلق؛ بلکه در میانه‌ای ناپایدار زیست می‌کند که دقیقاً با منطق تعلیق پی‌هم‌نشانی دارد. در غیاب پژوهش نشان داده‌ام که چگونه فرسایش سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی، همراه با ناتمام‌ماندن وعده‌های توسعه، این طبقه را به‌سوی نوعی زندگی معلق سوق داده‌است؛ زندگی‌ای که در آن، امید و ناامیدی، حرکت و ایستایی، به‌طور هم‌زمان حضور دارند.

در چنین شرایطی، جنگ هم به‌مثابه یک «شتاب‌دهنده» عمل می‌کند. جنگ، نه به‌عنوان پدیده‌ای منفصل از وضعیت‌های پیشین، بلکه به‌مثابه امتداد و تشدید همان منطق تعلیق، بر بستری از نااطمینانی‌های از پیش موجود فرود می‌آید و آن را تعمیق می‌بخشد. به بیان دیگر، اگر پیش از جنگ نیز نشانه‌های تعلیق در قالب فرسایش سرمایه‌ها، ابهام در آینده و تعلیق در تصمیم‌گیری‌های فردی و جمعی در ایران وجود داشته، جنگ این وضعیت را به سطحی بحرانی‌تر ارتقا می‌دهد. جنگ، با افزایش نااطمینانی، کاهش منابع و تشدید تنش‌های اجتماعی، وضعیت تعلیق را به سطحی جادرمی‌رساند. درعین‌حال، جنگ می‌تواند باعث شکل‌گیری نوعی «همستگی موقتی» نیز شود؛ همستگی‌ای که اغلب در مواجهه با تهدیدهای بیرونی شکل می‌گیرد. اما این همستگی‌ها اگر بر بستری از اعتماد پایدار و نهاد‌های کارآمد شکل نگیرد، معمولاً کوتاه‌مدت و شکننده خواهد بود. نکته مهم این است که تعلیق، صرفاً یک وضعیت منفی

نیست؛ بلکه می‌تواند حامل نوعی امکان نیز باشد. در برخی موارد، تعلیق می‌تواند به بازاندیشی، بازتعریف و حتی بازسازی منجر شود. اما این امر، مستلزم وجود افق‌های روشن، نهاد‌های پاسخ‌گو و امکان گفت‌وگو است. بدون این عناصر، تعلیق به‌جای آنکه به تحول منجر شود، به فرسایش و انفعال می‌انجامد.

در ایران امروز یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، فقدان یک افق مشترک است؛ افقی که بتواند کنشگران مختلف را حول یک تصور مشترک از آینده گرد هم آورد. در غیاب چنین افقی، هر گروه اجتماعی، در افاق محدود و خاص خود عمل می‌کند، و این امر به تعمیق شکاف‌ها و تضعیف انسجام اجتماعی منجر می‌شود. در اینجا، اهمیت گفت‌وگو بیش‌ازپیش آشکار می‌شود؛ گفت‌وگویی که نه صرفاً به‌عنوان ابزار اقناع، بلکه به‌عنوان فرایندی برای ساختن افق‌های مشترک عمل می‌کند.

در نهایت، می‌توان گفت که «زندگی در تعلیق» در ایران امروز؛ کویی داستانی است که در فصل «هنوز، نه هنوز» روایت می‌شود. این وضعیت، نتیجه تلاقی تلخ بحران‌های انباشته پیشین، ضربه سهمگین جنگ، و مهم‌تر از همه، فقدان افق‌های روشن برای آینده‌است. این امر، تلاقی، تصویری پیچیده و چندلایه از زیست ما را ترسیم می‌کند، اما این پیچیدگی، نباید ما را از درک و تحلیل آن باز دارد. آنچه در این میان اهمیت بنیادین می‌یابد، تلاش برای چرخشی است؛ چرخشی که این تعلیق فرساینده را به بذری برای تحول تبدیل کند. این تحول، مسیری جز بازسازی اعتماد ازست‌رفته، تقویت نهادهایی که توان هدایت دارند، و گشودن فضاهای عمیق‌گفت‌وگورامنمی‌شناسد.

زندگی در تعلیق، اگرچه دشوار است، اما می‌تواند نقطه آغاز نیز باشد اگر بتوان از دل آن، افقی تازه برای آینده ترسیم کرد.

●

باید چه کنیم». آفریده درباره میزان خسارت توضیح می‌دهد: «تمام سازها و امکانات رفاهی آموزشگاه مثل کولگازی، میز صندلی و… از بین رفته است. همین نهادهایی که مراجعه کردم می‌گویند سازهایت به ما چه؟ گفتم پول‌سازها، نه، خسارت وسایل رفاهی را بدهید؛ اما قبول نمی‌کنند. هیچ متولی وجود ندارد. بامداد امروز آتش‌بس شد و اگر بخواهم کلاس‌هایم را شروع کنم، با ۲۵۰ شاگرد کجا و چطور شروع کنم؟»

روز هجدهم فروردین آخرین روزی بود که آفریده با آموزشگاه موسیقی‌اش خداحافظی کرد. آموزشگاهی که از ساختمان و صدای سازهایش فقط آوار مانده بود. در میانه تل آوار نشستت ساز ووز و فیلمی از خودش ضبط کرد که می‌گوید با چند وی‌پی‌ان بالاخره توانست آن را در فضای مجازی به اشتراک بگذارد: «فکر کردم آن روز آخرین روزی است که می‌توانم به آنجا سرزنم؛ چراکه بلوار ابوذر و خیابان پیروزی به‌شدت مورد حملات قرار گرفته بود، حتی در پایان فیلم هم صدای انفجار شنیده می‌شود.» می‌خواست آخرین صدایی که از آموزشگاه می‌ماند صدای موسیقی باشد و نه بمب و انفجار. حالا بعد از آن، طبقه چهارم ساختمان پلاک ۱۵۹ در خیابان پیروزی دیگر صدای موسیقی را نخواهد شنید.

حمیدرضا آفریده:

در حال حاضر برای سرمایه‌مان هیچ ارگانی

به ما کمک نمی‌کند. به همه‌جا مراجعه کرده‌ایم.

شهرداری به ما گفت به مردم عادی کمک

می‌کند، اما مگر ما مردم عادی نیستیم؟

به ارشاد هم نامه‌نگاری کرده‌ایم و هنوز کسی

به ما خبری نداده است

●

برگزاری مراسم چهلم رهبر شهید در کلیسای سرکیس مقدس تهران

وزیر فرهنگ: رهبر شهید عزت ایران را در مسیر عقلانیت می‌خواست

مراسم چهلمین روز شهادت رهبر شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی امام سید علی خامنه‌ای ا حضور سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و اقلیت‌های مذهبی در کلیسای سرکیس مقدس تهران برگزار شد. سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این آیین با اعلام تسلیت به شهدای اقلیت‌های دینی، گفت: «امروز برای عرض تسلیت به هم‌وطنان مسیحی، کلیمی و آشوری به این کلیسا آمدم. رهبر شهید ما نه فقط رهبر مسلمانان، بلکه رهبر ادیان گوناگون بود. این مسئله در دیدارهایی که با رهبران ادیان مختلف داشتم، برابم ملموس بود. ایشان مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان را همچون مسلمانان می‌دید.»

صالحی ادامه داد: «رهبر حکیم و شهید به این دلیل متمایز بودند، زیرا در نتیجه عملکرد ایشان همه اعضای خانواده این حس را داشتند که یک نسبت واحد با این پدر دارند.» او با بیان این‌که ممکن است بدخواهان نکات دیگری درباره رهبر شهید بیان کنند، ادامه داد: «برای کسی که با ایشان مراوده داشت، این مشخص است که وطن‌دوستی و برابری همه ایرانیان برای ایشان برخاسته از دل است.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه سه ویژگی رهبر شهید را که موجب می‌شد همه مردم را به یک‌شکل ببیند، برشمرد و توضیح داد: «سه ویژگی رهبر حکیم انقلاب موجب دیدگاه و نگاه او به ادیان مختلف بود. فهم ایشان از اسلام به شکلی نبود که موجب شود ادیان توحیدی دیگر را طرد کند، بارها ایشان تلاش داشتند این فهم را در شاگردان خود بنا بگذارند



پیام ما در یوتیوب

پادداشت

برای «جلیل دوست‌خواه» که در غربت غرب و غوغای جنگ سوم فروردین در ۹۲ سالگی درگذشت

شاهنامه پژوه اوستا شناس



احمدرضامحمدی ا

روزنامه‌نگار ا

در این یک دهه هرگاه با «جلیل دوست‌خواه» - که با تمام ایران دوستی و وطن‌مداری‌اش، به اقتضای وضعیت زندگی و پس از باززشتستگی از دانشگاه، در سال ۱۳۶۹ ساکن استرالیا شده بود - تماس می‌گرفتم و ایمیل می‌فرستادم، در نهایت احترام و امتنان پاسخ می‌گفت و دست‌کم تا همین سه چهار سال اخیر که حالش به راه بود و حواسش به جا، کم پیش می‌آمد تقاضای یادداشتی را رد کند. آخرینش تابستان سه سال پیش بود و انگیزه‌اش نودسالگی استاد (متولد نیمه شهریور ۱۳۱۲). از کسانتش بی‌خبر بودم. به سختی و با هزار به این‌وان‌گفتن و سپردن توانستم شماره‌ای از سپهرش در شهر «تانزویل» ایالت «کوئینزلند» را بیابم. چون هرچه به خودش ایمیل می‌زدم جوابی نمی‌آمد. حدم درست بود. نسیان بر استاد چیره یافته بود؛ اما هنوز سوسوهایی می‌زد؛ خلاصه آنکه گفت‌وگو به لطف «سیاوش» انجام شد و البته پاسخ‌های کوتاه به آن پرسش‌ها. اما یک چیزش هیچ فرقی با آن سال‌های قبل نکرده بود. هنوز و همچنان بوی میوهن‌خواهی از کلمه‌به‌کلمه حرف‌هایش می‌آمد (و شهریور ۱۴۰۲ در مجلهٔ تجربه منتشر شد). گویی حتی اگر فراموشی بر او مستولی شده بود؛ اما ایران از یادش رفته بود و یارش بود. افسوس که دور از وطن، در غربت غرب و غوغای جنگ، سوم فروردین امسال درگذشت.

او که شاهنامه‌پژوهی‌ها و اوستاشناسی‌هایش، تا همیشه مرجع و منبع اهل دقت خواهد بود. دانش‌مردی که در دانشکده ادبیات و علوم‌انسانی دانشگاه تهران درس خواند و از پایان‌نامه دکترایش با عنوان «آیین پهلوانی در ایران باستان» با راهنمایی «محمد مقدم» دفاع کرد، به دعوت «محمد معین»، و سازمان لغت‌نامه دهخدا دعوت شد و در کار تألیف و تدوین بخش حرف «ر» و سامان‌دادن دانش‌مردی که در دانشکده ادبیات و علوم‌انسانی دانشگاه تهران درس خواند و از پایان‌نامه دکترایش با عنوان «آیین پهلوانی در ایران باستان» با راهنمایی «محمد مقدم» دفاع کرد، به دعوت «محمد معین»، و سازمان لغت‌نامه دهخدا دعوت شد و در کار تألیف و تدوین بخش حرف «ر» و سامان‌دادن دانش‌مردی که در دانشکده ادبیات و علوم‌انسانی نظیری «بدیع‌الزمان فروزانفر»، «جلال‌الدین همایی»، «پرویز ناتل خانلری»، و «صادق کیا» شد، به خواست «ابراهیم پورداوود» کار نگارش گزیده‌ای از «گزارش اوستا» را بر عهده گرفت که حاصل با عنوان «اوستا» نامه مینوی آیین زرتشت» به چاپ رسید، از اعضای حلقه «جنگ اصفهان» بود، البته سال‌ها به معلمی در دانشگاه مشغول بود و بعدتر عضو ای دانشگاه ابریناکی شد. «شناخت‌نامه فردوسی و شاهنامه»، «گزارش هفت‌خان رستم بر بنیاد داستانی از شاهنامه فردوسی»، «فرایند تکوین حماسه ایران پیش از روزگار فردوسی»، «حماسه ایران: یادمانی از فراسوی هزاره‌ها»، «گزارش اوستا، کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی»، و ترجمه «رهیافتی به گاهان زرتشت و متن‌های نواوستایی» نوشته «هانس رایشلت» از آثار اوست.

در درک و فهم جهان‌بینی ایران‌شناسانه جلیل دوست‌خواه همین چند سطر (مجله ایران‌نامه، ویژه هویت ایرانی، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۷۳، صفحهٔ ۵۱۵) برای حسن‌ختم شاید انتخاب بدی نباشد: «ایرانیانی که امروز در مرزهای رسمی و شناخته ایران کنونی به سر می‌برند یا آنان که به هر دلیل در سرزمین‌های دیگر روزگار می‌گذرانند؛ اما خود را به تمام‌وکمال وابسته و حتی شفیفته و شیدای «هویت ایرانی» می‌دانند، چه آذربایجانی باشند، چه کرد، چه فارس، چه گیلک، چه بلوچ، چه از هر گروه‌ای تیره و تبار قومی دیگر و به هر زبان با گویویی که سخن بگویند و پیرو هر دین یا مذهبی که باشند، در یک «آرمان» والا مشترک‌اند و آن هم «هویت ایرانی» ست که از یک‌سو ریشه در عمق تاریخ دراز و کهن این مرزوبوم دارد و هزاران شاهد و سند پشتوانهٔ آن است، و از سوی دیگر در ژرفای دل‌وجان هر یک از آنان نقش بسته و با هیچ افسونی هم زودنی نیست. ما همه «آریایی» و «فارسی‌زبان» و «زرتشتی» و «مسلمان» نیستیم؛ اما هر که و هر چه هستیم، همه خود را «ایرانی» می‌دانیم.»